



گفتگوی قاضی محمد رئیس جمهوری وقت کردستان با مطبوعات تهران در روز یازدهم ژانویه 1946 میلادی

تحت عنوان : اسناد تاریخی سخن میگویند .

هایدلبرگ آلمان فدرال 30 مارس 2008 دکتر گلرمد مرادی

مندرج در سایت پیشمرکان : www.peshmergekan.com

موضوع نقد : اینهمه آیه و تزویر از بهر چیست !؟

از سر هنگ چیا

در آنجا که : (مسئله سیاسی و اجتماعی و سرنوشت شخصیتها و ملتی مطرح است) سکوت کردن و چشم پوشی کردن خطا است.

آقای دکتر مرادی!، تا آنجائیکه از مفهائیم و محتوای اغلب نوشته ها و مقالات جناب عالی : چه آنهاییکه مستقلا در رابطه با نظرات شخصی نوشته و پخش میفرمائید ، بویژه ، آنهاییکه : در جواب - و بعنوان اعتراض و انتقاد در پاسخ به مصاحبه های " رادیویی یا تلویزیونی و یا مقالات نویسندگان ایرانی مقیم خارج مبنی بر اینکه : کرد ها تجزیه طلب اند ، شدیداً معترض و بعنوان یک ایرانی "هموطن" استدلال و افتخار می کنید که : نه : " شما - و نه کردها " نه تنها هیچگاه : چنین قصد و منظوری نداشته - و ندارید ، بلکه این نوشته ها ، سخنانها و مصاحبه ها و سخنان نیهی رادیویی و یا تلویزیونی از این دست را الخ . اتهام و افتراضی بیش نمی دانید... و لذا : جناب عالی بعنوان آخرین لایحه دفاعیه خویش - و مردم کرد ، به مصاحبه با صطلاح مطبوعاتی زنده یاد پیشوا ، که گویا در روز 11 - ژانویه سال 1946 میلادی با نمایندگان مطبوعات که از تهران به مهاباد آمده - و انجام گرفته است . تحت عنوان اینکه : (اسناد تاریخی سخن میگویند !) ، چنین مرقوم میفرمائید : بیشتر هموطنان گرامی ، آگاه اند که در روز 11 فروردین ماه 1357 خورشیدی برابر با 30 ام ماه مارس 2008 میلادی روز اعدام به ناحق قاضی ها است . و سپس بشرح زیر چنین ادامه می دهید :

شاه کم تجربه و دست نشانده خا رجیان ، برای زهرچشم گرفتن از خلقهای ایران و بویژه خلق کرد سه شخصیت بی گناه را که طبق ساده ترین قوانین بین المللی و بنا به قوانین ایران مرتکب هیچ گناهی که حتی جرم زندان هم داشته باشند نشده بودند در اینجا لازم دانستم برای آن دسته از هموطنان ارجمند و پاک دلی که در راه رسیدن به آزادی گام بر میدارند و برای برقراری دموکراسی واقعی در ایران میکوشند و فعالیت می کنند و بسیار نیز مایلند واقعبیت تاریخی را بد و نوارونه کردن آن و بد و ن در نظر گرفتن منافع ویژه گروهی ، بدانند ما : عین مصاحبه مطبوعاتی زنده یاد قاضی محمد اولین رهبر حزب دموکرات ایران ، چند روز پس از اعلام جمهوری در بخشی از کردستان با سردبیران و مدیران برخی از روزنامه های تهران را در اینجا میآوریم : بی تردید اکثر هموطنان و خوانندگان ان ارجمند ، تبلیغات زیاد و مضمز کننده ای در رسانه های رژیم دکتاتوری و حامیان آنرا در کشورمان شنیده و حتا امروز هم می شنوند مبنی بر اینکه : کردها

و در اس آنها زنده یاد قاضی محمد " تجزیه طلب بوده اند " ، مطمئناً انتشار این سند در رخنه کردن گوشه ائی این تبلیغات گوش خراش را میتواند اثر مثبتی به سود دموکراسی داشته باشد و ما شکی در آن نمی بینیم که دمکراتها و واقع بینان با دیدن و خواندن این مصاحبه مطبوعاتی که حدود 62 سال پیش انجام گرفته ، طور دیگری در رابطه با نظر قاطع و خواست کردها فکر خواهند کرد.

جناب عالی برای استدلال و اثبات هر چه بیشتر: **لایحه دفاعیه** خویش - و مردم کرد به انتشار و پخش متن باصطلاح مصاحبه زنده یاد قاضی محمد : (اولین رهبر حزب دمکرات ایران را) که : **چند روز پس از اعلام جمهوری در بخشی از کردستان** . انجام گرفته میپردازید .

اولا - در آنجا که : (مسئله سیاسی ، اجتماعی و نظامی - و بویژه شخصیتها و ملتی مطرح است) ! ، کمال بی انصافی است که : شما و یاهرکس دیگری به میل و سلیقه و ... ابتکار خود به قضاوت پرداخته و ... بویژه ، به وکالت از طرف مردم ، آنچنان به تفسیر و تعبیر و ... تحریف و تحقیر وقایع و رویدادهای آنان بپردازد .

ثانیا - فکرنمی فرمائید که این **لایحه دفاعیه** جناب عالی - و دیگر مقالاتی که در اینباره مینویسید بمشابه (**آب به آسیاب شوینیسم ریختن**) است؟ . بسخن دیگر: پیروی از فرهنگ و ادبیات شوینیستی است .

زیرا : مسئله تنها در این نیست که : این قبیل افاضات حامل بار مضاعف انحراف میباشند . بلکه مسئله اینست که این مضاهرا انحرافی و شوینیستی در قالب عبارات انقلابی و دمکرات مآبانه از طریق سایتهای سازمانها و احزاب بخورد جوانان کم تجربه سیاسی و شیفتگان تحول و رهروان راه رهائی مردم ستمدیده کرد میشوند تا پیوند شان را با گذشته : (**دولت جمهوری کردستان و خط مشی بنیان گذاران " پیشوا "**) و اصولا با همه حرکت های اصیل و نوین **" ملی و انقلابی "** که در این راستا انجام گرفته و میگیرد بگسلانند ، و دوستی آنها را تقدیم مذبح فکری و ذهنی روضه خوانان شوینیزم و کارگزاران وی بنمایند .

حقیقت اینست : اگر این قبیل مقالات و یا بیانیه های از این دست میتوانند زمانی بصورت کانون جامعیت بخشیدن و کامل نمودن نیاز مندیهای ملی در فرم و محتوای " خودمختاری " قالب گردند . امروزه دیگر به تک گوئیهای در دل صحرا بدل شده اند که : بدور از صحنه های نبرد مرگ و زندگی ، بدور از توده ها و خواست شان ، مغرور و منزوی به طنین آوای خود گوش فرا میدهند ، تناقض کامل داشته و ... افسانه پردازی بیش نیست .

زیرا : اکنون مدت سه دهه (**30 سال است**) که گروهها ، سازمانها و جناح های منشعب و منفعل حزب دمکرات - ات کردستان ایران ، در تقلا و بهبود و پیشرفت دستگاه رهبری جنبش بر محور چنین خط مشی : سیاسی - و ایدئولوژی (سازش و مصالحه) باشوینیزم : (سازمانی و حکومتی) ، بخاطر پدیده موهوم و مورد نظر جناب عالی **" خود مختاری "** سخن میگویند و گام برمیدارند .

بطوریکه : در این کچراه تاریخی و ... کچ اندیشی اختصاصی و اراده گرایانه خویش تا آنجا پیش رفتند که : (**آزادی و استقلال**) ملت کرد را آشکارا بمنزله خواب و خیال تفسیر و تعبیر کرده اند .

ولی این همان تقلائی است که : در اینمدت : (**30 ساله**) بدر نخوردن ، حتی بیثمر و ... حتی زیانبخش بودن خود را به تجربه و در عمل ثابت کرده است .

مع الوصف اگر بیذیریم که : " انحراف " با همه منفی و مضر بودنش " آنتی " خود را که همانا آموزش از " انحراف " باشد ، در خود دارد و آنرا بعنوان وجه مثبت : " انحراف " دبیرکل و پیروانش در نظر بگیریم در نتیجه چنین میتوان استدلال کرد که : دکتر قاسملو ، با مرگ (**تراژدیک**) خود بار دیگر به همه پیروان قدیم و جدید خویش ، به همه کچروان راه " خود مختاری " در س واقعی و بیغایت سودمند (**در س دیالتیک** تاریخ درس درک و شناخت بیشتر و بهتر شوینیزم ، درس بیداری و هوشیاری و ... بالاخره ، در س بازگشت به زندگی و تاریخ مبارزات واقعی : اقشار ، طبقات و توده های زحمتکش کرد : **جمهوری کردستان - و خط مشی بنیان گذاران " پیشوا "**) را داد و ... بار دیگر ثابت کرد که : اشخاص ، گروهها ، سازمانها و احزابی که بهر **" بهانه**

و دستاویزی سخن از آشتی و اتحاد با شویینیزم را اعم از نوع (سازمانی و یا حکومتی) آن می گویند و یا در اینراه گام برمیدارند ، منظور و معنایی جز فریب خود و دیگران ندارند.

در یک کلام : دبیرکل سابق حزب دمکرات کردستان ایران با مرگ آنچنانی (ترور) به هواداران تئوری امکان همزیستی مسالمت آمیز با شویینیزم ، زنهارداد که : راه رفورم راه تاخیر است ، راه دفع الوقت است ، راه بهدر دادن نیروهای (سیاسی و نظامی) جنبش است و بالاخره ، راه بانزوا و انقیاد کشاندن جنبش رهائی بخش : (ملی و انقلابی) خلق مبارز و قهرمان کرد است.

برای نمونه میتوان (و باید) بادغام اورگان رهبری سازمان کومله زحمتکشانش کرد ستان ایران با گروه چند نفری " سهندیها " و ارتقاء آن به : (حزب کمونیست کارگری ایران)؟! و همچنین پیوستن دبیرکل سابق حزب دمکرات ایران را به شورای مقاومت ملی : (مجاهدین) درپاریس و سپس توجیه و تصویب آن در گنگره پنجم حزب با رقص و پای کوبی : بمصداق (مژده ایدل که مسیحا نفسی میآرد) را اشاره نمود.

که امروزه به تجربه و در عمل نتایج هر دو آن : (ادغام - و یا اتحاد) برای مردم کرد و جنبش رهائی بخش (ملی و انقلابی) آن جز : تحقیر و تحریف و بالاخره ، شکست و ناکامی بیارنیاورده اند. میگویند : (آرتشهای شکست خورده خوب تعلیم میگیرند).

ثالثا - پرسیدنی است : چه علل و یا انگیزه ائی شما را بر آن داشته است که : با وجود چنین تجارب تلخ و ناگواری ، با اصرار و ابرام آنچنانی (جمهوری کردستان) را که گویا : به اعتبار آن " تیز " دکترای خود را گذرانده و بدرجه " دکتر " نائل شده اید. امروزه آنچنان با شور و هیجان به نقد کشانده و آنرا به کالای : **بنجل** ، مبتذل ، و دست چینی بنام : (خود مختاری) تفسیر و تعبیر نموده ؟ و آنگاه نام آنرا : اسناد تاریخی سخن میگویند)؟! بگذارید. زیرا : بنا به نوشته خود **تان** این مصاحبه : چند روز پس از : اعلام جمهوری د ر بخشی از کردستان انجام گرفته است!

معنی و مفهوم : (حقوقی ، قضائی ، و اجرائی) : **قاضی محمد رئیس جمهوری وقت کردستان** که از قضاء خود جنابعالی تحت عنوان : (اسناد تاریخی سخن میگویند) ؟ ، در آغاز و سرخط مطالبتان بدان اشاره کرده اید **بقدری** : واضح ، روشن و گویا است که : نیازی بهیچگونه تفسیر و یا تعبیر جانبی ندارد .

برای نمونه میتوان (و باید) از (از ایالات جدا شده از یوگسلاوی سابق - و اعلام استقلال یکجانبه آنان و بویژه کشور تازه تاسیس " کوساوی " و همچنین منطقه " قفقازیا " در کشور گرجستان) را که : امروزه مطرح و مورد نظرند ، نامبرد .

در غیر اینصورت : مگر نه اینست که : جنبش رهائیبخش " ملی و انقلابی " ملت کرد ، بر اثر همین نظرات و شیوه های نادرست : (فردی - سازمانی) نه تنها در کل جهان ، بلکه در سطح منطقه ایی آن نیز مدتها و هم اکنون نیز در انزوای مطلق " سیاسی ، اجتماعی و ایدئولوژیکی " بسر میبرد.

یعنی اینکه : اگر در آنزمان و حتی امروزه نیز : (سرزمین و جامعه) کرد ، در فرآیند زدوبند های (سیاسی و اقتصادی و نظامی) بین المللی با دولتهای اشغالگرو تجزیه طلب از جمله : رژیم میلیتاری امریکائی ترک از حمایت و پشتیبانی بین المللی برخوردار نبود - نیست. این دلیل آن نخواهد بود که امروزه شما و یا هر کس دیگری : خود را بعنوان صاحب نظر در مسائل و مشکلات مردم کرد معرفی تا فرایند آن : مثلاً جمهوری کردستان را به زیر سؤال شوینیستها ببرید و آنرا به " خود مختاری " تفسیر و تحریف نموده - و آنگاه تحت عنوان : (اسناد تاریخی سخن میگویند)؟! ، با چنان شور و اشتیاقی به " پروپاگاندا تبلیغاتی " و شویینیزم مآبانه پرداخته و با چنین تصور برداشت " تحریفی و تزویری " به تجزیه و تحلیل از سیر و وقایع تاریخی مردم کرد به پردازید.؟! چرا که : این همان چیزی است که : دولت میلیتاری ترک نیز با حمایت مستقیم : (سیاسی و نظامی) آمریکا ، پیشقراولان راه : (آزادی و استقلال) کرد را با برچسب ناروای " تروریست " معرفی و تخطئه - و در نتیجه : در انظار و سکوت جهانیان به سرکوب و اختناق 15 تا 20 میلیون کرد ، در کردستان ادامه داده - و میدهد و دولت پان عربیسم سوریه با ایجاد خط کمر بندی برای عبرتی

کردن کردستان و کوچ اجباری آنان از منطقه کرد نشین ادامه داده - و میدهد و... بسا! ، خواهید گفت که مسائل و مشکلات آنان به شما و... به هموطنان ایرانی و آریائی شما ارتباطی ندارد!

رابعا - آیا در بررسی و تحلیل از مسائل " سیاسی و اجتماعی " گذشته و حال ملتی ، بویژه ، اگر : مسئله)) **آزادی و استقلال**)) آن ، در تضاد با اشغالگران و تجزیه طلبان : (جامعه و سرزمین) آن مطرح باشد ... که هست . آیا میتوان بروی چنین : با صلاح مصاحبه های مطبوعاتی - ویا نطق ویا خطا بهای رادیویی و تلویزیونی آنهم ساخته و پرداخته افرادی در چنین نظام های مستبد و دست نشانده خارجیان که از قضا خودتان بدان اشاره و تاکید کرده اید را ، مورد اعتماد قرار داده ؟؟ و... بویژه ، آنرا بعنوان : **(اسناد تاریخی سخن میگویند)؟! -** انهم : در آستان شوینیزم - و بخاطر ارضاء و اقتناع شوینیزم : میناء و ماخذ بررسی و قضاوت قرار داده - و آنچنان : با شور و اشتیاق و... شتابزده و کاشف وار ، بیک جانبه نگری پرداخته ... تا در فرآیند آن : جنبش رهائی بخش : (ملی و انقلابی) خلقی را به زیر سؤال آنان ببرید ؟ و... آنگاه در این " **لایحه دفاعیه** " خویش - و مردم کرد ، برای توجیه و ابرام گفته هایتان از **یکسو** ، ... و جذب و جلب هر چه بیشتر نظرات هم میهنان (پاکدل ، دمکرات و آزادیخواه)؟؟؟ ایرانی خویش از **سوی دیگر** ، تا آنجا به بیگناهی و مظلومیت زنده یاد پیشوا و یارانش پرداخته اید! ، بسا! ، این قضاوت و برداشت اشتباه آمیز را در آنها و هرخوا نندگان ناآگاه و بی اطلاع از این : واقعه تاریخی ایجاد و القاء خواهد کرد که : **گویا آنان** : در راه حفظ و حراست تمامیت ارضی : **(وطنشان)!** ایران ، اشتباهها بچوبه دار آویخته و اعدام شده اند .

آقای دکتر مرادی! مردم مبارز کرد ، علیرغم این قبیل مظلوم نمائیهای و... لایحه دفاعیه : **(مشروط و مقید)** آنها : (مردم کرد) " پیشوا و یارانش " را بمثابه قهرمانان و پیشتازانی راه : **(آزادی و استقلال)** خویش میدانند و... با وجود گذشت 62 سال از آن واقعه ، معذالک هر ساله : سالروز آن جمهوری کردستان را با وجود شرائط حاد سرکوب و اختناق رژیمهای حاکم در ایران جشن میگیرند ، و بدینسان نام و نشان آنان - و جمهوری کردستان را برای همیشه ارج مینهند . لذا : به باور و اعتقاد مردم کرد بطور اعم ، و بویژه **به باور و اعتقاد آن چوبان ساده لوح و کوژ پشت کرد بطور اخص** : آنها در این راه پر از عظمت و افتخار داوطلبانه و ... بخاطر اهداف و آرمانهای والا و مقدس خلق کرد : **((آزادی و استقلال میهن))** خویش جان خود را فدا کرده اند و ... نه چیز دیگر!

یعنی اینکه : نسل های امروز و فردای کرد و کردستان در مفهوم عام کردستانی آن راه **(مقدس)** جمهوری کردستان و پیشتازان آنرا بعنوان سرمشق ، و اسلوب و الگوی : جنبش رهائیبخش **(ملی و انقلابی)** خویش برگزیده و... ادامه داده - و میدهند . لذا : نیازی به این قبیل : **مظلوم نمائیها و... تزویر و تملقها و... لا - یحه دفاعیه و... الخ** . آنهم در آستان شوینیزم و ... بخاطر اقتناع شوینیزم ، نداشته و ندارند **زیرا** (عنقارا بلند است آشیانه) .

خامسا - علیرغم پروپاگاند تبلیغاتی - و حرفه ایی روزنامه نگاری آنهم در چنین نظامها و... بویژه ، چنین وقایع مهم و حساس روز و منزوی و محدود و... کم اهمیت جلوه دادن آن بعنوان : **(مسئله داخلی)** الخ .

معذالک : و با وجود همه این تلاشها و... اصرار شخص جناب عالی در تحریف وقایع تاریخی : باید گفت : بلی زنده پیشوا در **سپتامبر 1945** باتفاق گروهی از اعضاء برجسته جمهوری از جمله " نوری بیک " بنا به دعوت رئیس جمهوری آذربایجان شوروی سابق بنام " **باقر اوف** " برای جلب پشتیبانی دولت اتحاد جماهیر شوروی سابق که در آن زمان بعنوان حامی و پشتیبان جنبشهای آزادی بخش " ملی و انقلابی " معروف و منحصر بود ، به باکو پایتخت آن جمهوری آذربایجان شوروی رفتند . **باقر اوف** : به هیات مزبوریه سرپرستی زنده یاد پیشوا قول داد که نظر موافق **استالین** را به نفع جمهوری تازه تاسیس کردستان جلب نماید ، و در عوض از هیات خواست که با جمهوری تازه تاسیس آذربایجان همکاری و پشتیبانی کنند . لکن **باقر اوف** در جلب نظر **استالین** ناکام ماند . زیرا **استالین** در در ایضاً کسب امتیاز نفت شمال ایران از حمایت ویا پشتیبانی د و جمهوری تازه تاسیس " **کردستان و آذربایجان** " در ایران خود داری کرد و... در نتیجه هرد و جمهوری بانگیزه بن بست " سیاسی و نظامی " باشکست مواجه گردیدند .

وانگهی : چقد رساده لوحانه خواهد بود اگر تصور کنیم که : رئیس جمهوری تازه تاسیس کرد ویا هر جای دیگر ، میبایستی همه مسائل مهم و محرمانه جاری جمهوری را بویژه ، روابط خارجی خود را آنهم برای چند نفر از فرستادگان رژیم در پوشش و بنام خبرنگار بازگو نماید!.

آقای دکتر مرادی! ، هما نظویکه فوقا اشاره کردم : در رژیم استبداد - و دست نشانده سلطنتی ، قابل تصور و تجسم نیست که : چند نفر بنا به اراده و تصمیم آزادانه خود شان و بدون هیچگونه ارتباط و پیوندی با دستگاههای " امنیتی و اطلاعاتی " چنین رژیمی خودسرانه - و سرزده براه افتاده - و بویژه - و در اینراه : از سرزمین جمهوری نوپای آذربایجان هم گذشته و بالاخره برای مصاحبه مطبوعاتی با زنده یاد پیشوا : (رئیس جمهوری کردستان) . بیایند و آزادانه و بدون هیچگونه کم و کاستی (تفسیر و تحریفی) در بازگشت مطالب : آن باصطلاح مصاحبه مطبوعاتی را برای آگاهی و اطلاع افکار عموم عینا در روزنامه های " سانسور " شده خود درج و منتشر نمایند؟! ... تا امروزه جنابعالی : در تضاد با : **تزر دکتراپی** که باعتبار همان جمهوری گذرانده - و دریافت کرده اید ، از آن بعنوان : (اسناد تاریخی سخن می گویند)؟! بهره برداری - و به تفسیر و تحریف آن علیه : آرمان و اهداف جنبش رهاییبخش خلق کرد از **یکسو** ... و برای خو شایند و جلب رضایت شوینیزم " اشغالگرو تجزیه طلب " **از سوی دیگر** ، مورد استفاده و استناد ، خود قرار دهید؟!.

جنابعالی بعنوان یک دکتر و بویژه : تجارب فراوان در اینباره میبایستی بذکر و بیان مطالب و عناوینی که ملا شناخته شده - و خالی از مفهوم و محتوا " **سمبلیک** " از قبیل : اجراء قانون اساسی پیاده کردن دمکراسی و میخوهم در زیر پرچم ایران یک خود مختاری داشته باشیم و برای خوشبختی و ترقی میهن خویش تلاش نمائیم الخ . که در این باصطلاح مصاحبه ذکر و اشاره شده - و مورد استناد قرار گرفته اند . توجه کرده باشید .

ولی بنظر میرسد که : آنچنان شیفته و دلباخته و ... سرگرم توصیف و تعریف مزایای دمکراسی موعود برای همیمنان - و خود مختاری برای مردم ستمدیده کرد بودید؟! ، **لهذا!** **یکلی** **فرا** **موش** **کردید** که : این لفاظیهای مطبوعاتی همان عبارات و الفاظی مرسوم و متدا ولی بوده - و می باشند که رژیم های استبداد و سر کوبگر بویژه در رژیم سلطنتی ایران که مورد بحث است ، بمنزله " **آلت** **و ابزار** **فریب** **و نیرنگ** " خلقهای تحت ستم خود و کتمان واقعیات " **اختناق** **و سرکوب** **گریهای** " شان از انظار و افکار عموم در چنین موارد مهم و حساسی بکار برده - و میبرند .

اظطراب و وحشت رژیم از اینکه : میاد دیگر خلقهای تحت ظلم و ستم نیز با اطلاع و آگاهی از اعلام و برپایی (جمهوری مستقل و دمکراتیک کرد) ، تشویق و ترغیب به شورش و قیام علیه رژیم نماید ، در هر کلمه و جمله آن باصطلاح مصاحبه مطبوعاتی مثلا : (مایل هستیم در زیر پرچم ایران یک " خود مختاری " داشته باشیم و الخ) ؟ ، کاملا مشهود و محسوس بوده ، و هر خواننده : بیطرف ، آگاه و آزاد اندیشی را بفرود و امیدارد .

از آن گذشته اگر براسنی مبناء برداشت و نتیجه گیری جنابعالی از : اعلام و موجودیت : جمهوری دمکراتیک کردستان ، با وجود همه آثار و علائم تاریخی و مشخصه مربوط بیک جمهوری : 1 - رئیس جمهوری ، 2 - ارتش خلقی ، 3 - پرچم سه رنگ ملی و ... 4 - سرود ملی بنام ای ره قیاب : ای دشمن ، ای شوینیزم تجزیه طلب و دیگر ارگانهای مربوطه : بیک جمهوری مستقل : البته (در مراحل ابتدائی و شکل گیری آن) . **مع الوصف** : برای خوش آیند و جلب خاطر و رضایت هر چه بیشتر : هموطنان ایرانی و آریائی خود نه تنها منکر این حقایق تاریخی شده اید بلکه میکوشید تا بهر : (بهانه و دستاویبی) که شده ، آن را به کالای : بنجل و مبتذلی چون " **خود مختاری** " تحریف و تنزیل تا در فرآیند آن چنین ادامه داده باشید ماشکی در آن نمیبینیم که دمکراتها و واقع بینان با دیدن خواندن این مصاحبه مطبوعاتی که حدود 62 سال قبل انجام گرفته ، طور دیگری با نظر قاطع و خواست کردها فکر خواهند کرد .

بسختن دیگر، تابدینوسیله واز اینراه : (تزویروتحریف) آمیز ، گفته ها ونوشته های جنابعالی را مورد تائید وقبول قرار داده -وشمارا بعنوان : یک ایرانی پاکدل و مخلص و دمکرات و.... بویژه ، بعنوان صاحب نظر در مسائل ومشکلات ایران ، کماکان در صفوف خود شان جای داده باشند! .
اگرچنین باشد ؟ ، که هست !! ، مردم کرد - وبویژه ، مبارزین صحنه های نبرد "مرگ وزندگی" و آزادیخواهان آن حق دارند که : در مورد ماهیت وکیفیت نوشته ها نیکه در آن (تز) مورد استفاده واستناد قرار گرفته اند مردد ومشکوک بوده ، وبحق در اینباره : جنابعالی را مورد سئوال وپرسش قرار دهند .

بویژه ، گفته ها ونوشته هائی را که بنمایندگی آنان در اینباره طبع ونشر کرده ویا احتمالا خواهید کرد مورد : اعتراض ، وانکارونفی خویش قرار دهند . چراکه : شما مسائل ومشکلات مردم کرد را نهم فقط در بخش (شرقی) آن ، نه بخاطر مردم کرد - واحتمالا ارائه راه کارحل آنها ، بلکه بیشتر از دیدگاه : فرهنگ وادبیات منحن شوبینیزم و بخاطر جلب رضایت آنها ، مطرح ومورد تفسیر وارز یا بی خویش قرار داده و.... مآلا : در آینده نیز خواهید داد ؟!

زیرا ، در حالیکه سایر ملل قاره های : آفریقا ، آسیا وآمریکای لاتین ، با پیروی از اصول وقوانین عام جنبشهای رهائیبخش ملی : (آزادی واستقلال) " جامعه وسرزمین " خویش را از یوغ استعمارگران وامپریا لیزم اشغا لگرو توسعه طلب ، باز یافته اند و ملت کرد نیز که در رهگذرتاریخ و صحنه بین المللی ، تنها ملتی است که با جمعیتی در حدود 30 میلیون نفروسرزمینی بوسعت تقریبی 550 هزار کیلومتر مربع بعنوان آخرین بقایای سیاست استعماروکارگزاران اشغا لگرو تجزیه طلب شوبینیزم آنان 62 سال پیش در نتیجه تغییر وتحولات اوضاع جهانی ومنطقه ائی وقیام توده های خلق کرد (آزادی و استقلال) بخشی از جامعه وسرزمین خود : (تجزیه شده) خود را هرچند : (موقتی وگذرا) باز یافته بود .

بطوریکه : امروزه آنرا بعنوان سند تاریخی وافتخار آمیز آنرا در آرشیو مبارزاتی عادلانه وبیگیر خود به ثبت رسانده و نیز مبنائی برای بررسی امروز محققین وجامعه شناسان کرد و بین المللی شده است و.... خود جنابعالی به یمن واعتبار وجودی آن : (جمهوری کردستان) ، تزدکترای خود را گذرانیده اید .

لکن : شما نه تنها این چنین واقعه ملموس ومشخص تاریخی را در گرو خوشآیند وجلب نظر اطرافیان وهموطنان : (آزادمش وپاکدل) ؟؟ ایرانی خویش و با ستناد به گزارش چند خبرنگار : مأمورودست نشا نده رژیم شاهی ، با اصرار وایرام میکوشید که تا : موجودیت جمهوری : (سمبل وآرمان واعتبار "تاریخی وحقیقی" از ادامه جنبش رهایی بخش خلق کرد) را به : (خود مختاری) تحریف وتنزیل داده و آنرا بعنوان : (اسناد تاریخی سخن میگویند) ؟! ، وبسا! وبدتر از آن : آنرا بنام و از موضع خواست : (تاریخی وحقیقی) مردم کرد ، توضیح - ومنتشر کرده اید ؟!

آقای دکتر گلرادی ، آنها که : با چنین شوروشوقی و... تلاش وکوششی تاریخ را تحریف وتحقیر : (الحاق را به : تجزیه و جمهوری را به : خود مختاری) تفسیروتعبیر واز بیان واقعیات تاریخی طفره رفته وآشکارا خود را فریب میدهند آنها که : با سپردن حق تصمیم گیری به شوبینیستها در انتخاب : شکل ومحتوای مبارزه وآرمان و اهداف آن بیکسان مظهر ومنشاء دردها ، رنجها وعقب ماندگیهای : (سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی) خلق کرد در گذشته وحال بوده اند آنها که : سود وزیانی جدا از خلق کرد وبویژه ، جنبش رهائیبخش (ملی وانقلابی) آنرا دارند نمیتوانند : (و نباید) از طرف اقشار ، طبقات ، وتوده های میلیونی خلق کرد ، در باره : شکل ومحتوای (حق تعیین سرنوشت بدست خویش) ، بابر از نظر پرداخته وتعیین تکلیف نمایند .

بلکه : در باره فرم ومحتوای مبارزه وهدف از آن ، باید با مردم کوچه وبازار ، با راننده تاکسی ، حتی با واکسی های ودستفروشان سرکوچه وبازار و بالاخره ، با کارگران ودهقانان شهروروستا سر صحبت راباز کنید ، شاید نه خیلی عالمانه - بلکه سرشار از مفاهیم مشترک ، آنگاه آنها در چند جمله با زبان ساده وعوام فهمانه : بشما و.... دیگر تحریف کنندگان : (تاریخ وحقیقت) و.... بالاخره ومهمتر از آن : به جهانیان خواهند گفت که راه حل سرزمین (تجزیه شده) شان در کجا است .

مسئله برسر نحوه اداره که: (پلیسی ورذیلانه) است و یا میزان شرکت مردم در حکومت که از قضا و مطلقاً نفی گردیده است، نیست. بلکه: مردم کرد، اساساً به انتخاب و نظرات شوینیستها - و هواداران شان اعتقادی ندارد زیرا او میداند: که راههای منطقی و قانونی دیگر بیشتر شده اند و زندگی کردن با شوینیسیم بیشتر به تراژدی میماند تا حقیقت زندگی او میداند که: تنها راهی که باقی مانده است: ((جدائی از شوینیزم - والحاق مجدد سرزمین تجزیه شده اش و ادامه: " مبارزه - و نه مصالحه " برای تحقق این آرمان والا و مقدس است)).

آقای دکتر گلراد!، من " سرهنگ چیا " نگارنده این سطور نسل: (جمهوری کردستان) بوده - وهستم.

یعنی اینکه: در آن زمان من طفل 7-8 ساله - ومتولد شهر مهاباد " پایتخت جمهوری کردستان " بودم لذا: **بیاد دارم**: هرروزه باتفاق همسالانم برای تماشای و شادی مراسم سان ورژه آرتش خلقی: سمبل و نشانه جمهوری به فرماندهی ژنرال: (محمد نوازاه) میرفتیم و بافتخارانان هورا میکشیدیم و شادی می کردیم و کف میزدیم. **بیاد دارم**: هرروز عصرها باتفاق هم سالانم به میدان معروف (چوارچرا) سمبل جمهوری - و مرکز تجمع آت و سخنرانیهای روزانه می رفتیم تا به سخنان پر شور و شوق ... زیبا و دلنشین تاریخی و حقیقی ((آزادی و استقلال)) طلبانه ناطقین و بویژه، آن دختر زیبا و نطق و: (ژیر) کرد، بنام: (عشرت عظیمی) را گوش میکردیم و بافتخارانان کف میزدیم و هورا میکشیدیم. **بیاد دارم**: باتفاق همسالانم به تماشای نمایشنامه: تاریخی و تراژدیک (دایکی نیشتمان) در محلی بنام گاراژ روسها در شهر مهاباد " پایتخت " جمهوری کردستان رفتیم.

آری آقای دکتر!، روی سخن ام با جنابعالی است!، بر صحنه آن نمایش: (تراژدیک) زن سیاه پوشی نشسته بود که: برد ست و پایش زنجیری بعلافت و نشانه: اسارت (جامعه و سرزمین) کرد بود و ناطقی بر صحنه آن تأثر سراسر (تراژدیک) ملی از: اسارت و دیلی، تجزیه و اشغال و ... ظلم و ستم اشغال گران تجزیه طلب و **بالاخره**، از ادامه مبارزه پیگیر و عادلانه برای: رهائی از این: (الحاق جبری و اتحاد اجباری) الخ. برای حضار سخن میگفت و تماشاچیان بعلافت تائید و همدردی و پشتیبانی و آمادگی برایش کف میزدند و هورا میکشیدند. **بیاد دارم**: که این نمایشنامه (تراژدیک) با خواندن دست جمعی سرود (ای رقیب) وسیله حضار و نمایشگران پایان رسید. دیگر از: از کالایی: تفسیر و تعبیر و تحریف و تزویر شده ائی بنام: خودگردانی؟ خودمختاری؟ **دیروزی** و **بالاخره**، فدرالیزم؟ **امروزی**. مورد تعریف، تفسیر و تائید جنابعالی؟ نه!، نه! هرگز.

آنچه را که بگوش من و همسالانم و مردم کوچه و بازار میرسید - و شنیده میشد و مورد امید و استقبال بود فقط بانگ آزادی و صدای دلنشین و زیبای استقلال بود و بس!

افزون بر این ملاحظات: حضوری و عینی ذکر شده در فوق: خوانندگان محترم بر این امر: (حقوقی و قضایی و اجرائی) واقف و آگاهند که: هرگونه استقرار، موجودیت و موضوعیت یافتن مقوله ائی از قبیل: خودگردانی، خودمختاری و فدرالیزم و الخ. مستلزم مذاکره و گفتگو با حکومت مرکزی - و یا ارگانهای وابسته بآن و در نهایت اعلام توافق رسمی " طرفین " بر سر، آنست.

در حالیکه همه میدانیم و بویژه آقای دکتر مرادی نیز خودشان بصراحت بدان اشاره کرده اند که: **چهار روز پس از اعلام جمهوری**. نتیجه اینکه: این موضوع موجبات هراس و وحشت رژیم را فراهم و اقدام باعزام چند نفر بنام خبرنگار (جاسوس) را به مهاباد نموده بود.

حال شما میتوانید بنمایندگی از طرف خودتان (و نه خلق کرد) آنها را " دانشمند، خطیب و استاد و ... الخ بنامید. لکن این القاب و عنوانها در عمل تا زمانی صادق اند که: مسئله خلقهای ایران نه تنها در شکل و محتوای: (جمهوری کردستان)، حتی برای خودگردانی نیز مطرح نگردد ... زیرا: در این صورت فریاد

وامصینتای خطر : (تجزیه وطن) شوینیستها از آن : خطیب ، دانشمند ، استاد فیلسوف مورد ذکر و بیان و تائید شما گرفته تا واپسگراترین قشر کوچه و بازار: یکجا ، یکصدا ، یکسان و مشترک بصورت کار-یکاتورو هیولای خشن و وحشتناکی بیکسان چهره زشت و کریه خود را بر میتابد و سرانجام شعاع: آزاد منشانه آنان ، به آن اراجیف و افتراآت مطبوعاتی و بد روغ شرم آوری بدل میگردد که : متاسفانه امروز شما بعنوان : (اسناد تاریخی سخن میگویند)؟! ، مورد استفاده خود فرار داده تا تا در فرایند آن وبا توسل به تحریف و تخطئه در سیر و قایع تاریخی جمهوری مستقل کردستان را به خود مختاری - و الحاق را به تجزیه تعبیر و تفسیر نمایند. **وگرنه !** ، اینهمه آیه و تزویراز بهر چیست؟! .

آقای دکتر گلرادی! ، گویا این همه آنچیزی که : جنابعالی میبایستی برای الیتیم دردها ورنجهای مردم مظلوم و ستمدیده کرد ، بارمغان آورده و پیشنهاد و توصیه کرده اید .! **بمصدق این ضرب المثل زیبای کوردی (له ناشی زووری پی چوه ، له رنگادا په له ی ده کا)** و یا برعکس.

زیرا در سایت دیگری بنام : www.brwska.com سازمان کومله.

تحت عنوان : (**این فدرالیزم چیست که وحشت در دل برتری طلبان ایجاد نموده**)؟! .

هایدالبرک 15 سپتامبر 2008 دکتر گلرادی.

به تفصیل به توصیف و تشریح : (فدرالیزم) و توصیه : مزایا و محسنات آن به هم میهنان ایرانی " آزادی خواه و دمکرات منش " خویش - و نیز خلق کرد میپردازید.

حالیه این سنوال و پرسش برای من و بسا دیگر خوانندگان مطرح است که : بالاخره ، کدامیک ؟

خود مختاری است که میبایستی : بعنوان (**سند تاریخی - ویا میناء مبارزاتی**) برای هم وطنان ایرانی جنابعالی مورد قبول و تائید و آنرا به مردم مظلوم و ستمدیده کرد ، عطاء فرمایند ؟؟ **یا فدرالیزم است که :** در دل برتری طلبان وحشت و هراس ایجاد نموده ؟! **و یا اساسا!** ، این تضاد و تناقض گوئی و یا بهتر گفته شود : این سیاست : (**یک بام دو هوا**) ، خود دلیل آشکار و روشنی بر : ابطال و بی ارزش بودن آن : (**سند موهوم و خود ساخته**) شوینیزم و بسا! ، دیگر ارشاد و راهنماییهای جنابعالی در اینباره نیست ؟!

آقای دکتر مرادی! ، وقتی که : خود شما با افزودن " **کلمات و جملاتی** " به آن سند مجعول و مورد استناد برای (خوش آیند و فهم هرچه بیشتر) هموطنان پاکدل و دمکرات منش ایرانی خودتان در واقع به " **جعل مضاعف** " مبادرت کرده اید. **بنابراین** : چه انتظار و تضمینی هست که : آن خبرنگاران مورد اعتماد و استناد شما نیز بویژه ، در آن شرائط حاد : (سیاسی و نظامی) که رژیم ناشی از " **اعلام جمهوری کردستان** " بدان گرفتار آمده بود ، نه تنها " **کلمات و عباراتی** " آن باصطلاح مصاحبه مطبوعاتی ، بلکه **کل آنرا راجعل و تزویر نکرده باشند؟**

رفقا! ، این اولین بار و آخرین بار هم نخواهد بود که : **جمهوری کردستان** " پایتخت مهاباد " نشانه و سمبل : آرمان و اهداف مبارزات : سراسر حماسی ، خونین و پیگیر و عادلانه ملت کرد و بنیانگذار آن زنده یاد " پیشوا " این چنین مورد تهاجم ، تحریف و تحقیر کسی قرار میگیرد که از قضاء باعتبار آن : **کردستان " جمهوری مهاباد "** به **درجه دکترا** نائل شده است و امروزه و بویژه ، باعتبار آن در جستجو ... و بدنبال سند و مدرکی می گردد تا شاید توانسته باشد آنرا : به کالای بنجل و مبتذلی بنام " **خود مختاری** " تحریف و تنزیل داده و جا نشین آن نماید و از آن بدتر در فرایند چنین " **افتراآت** " بعنوان معلم (**اخلاق و سیاست**) به پند و اندر : دیگران میپردازند که مثلا آنرا بپذیرند و یا لاقبل بسکوت برگزار و بگذرند.

لابد، بیاد دارند که: در سال 2007 نیز شخصی بنام: ملا عبدالله حیاک معروف به حسن زاده ((رهبر گمشده راهنما))؟! که او نیز بیمن و اعتبار جنبش خود مختاری طلبانه آنان، نه تنها بد رجاء (ماموستائی)، ارتقاء یافت. بلکه تا مقام و موقعیت رهبری جنبش خود مختار طلبانه نیز ارتقاء مقام و منزلت یافت؟! لکن، ایشان نیز در مصاحبه‌ای با شخصی بنام آقای قانعی - و در تدارک بازگشت به " وطنش ایران "، سخنان مشابهی را ایراد و ابراز کرده بود. برتولت برشت، در این باره مینویسد: ((بد بخت ملتی که: به قهرمان نیاز داشته باشد))).

و در باره تجزیه و تجزیه طلبی؟

آقای دکتر مرادی!: اولا - (تمامیت ارضی یک امر مطلق نیست) و نمیتوان به بهانه آن به سرکوب و اختناق متوسل شد. در این صورت آن مردم حق دارند برای دفاع از: (خود و آرمان) شان، دست به اسلحه ببرند. هریک از بخش های تجزیه شده: (کردستان و کرد) شاهد و مثال زنده این حقیقت تاریخی است.

ثانیا - و از آن گذشته: تاریخ گذشته - و شرائط موجود و مشخص (کردستان و کرد) در این باره بقدری واضح و روشن از واقعیات تاریخی سخن میگویند که بواسطی هر انسان منصف عادل و بیطرف را از فرط و فور استناد و استتلال در مضیقه میگذارند که: مبادا در توضیح و بیان واقعیات ملموس " تاریخی و حقیقی " نتواند اداء مطلب نموده - و حقیقت را بجای آورد.

بعبارت واضحتر: قضاوت در شرائط مشخص (گذشته و حال) جامع و سرزمین کرد، بمتشابه ماخذی از تاریخ و حقیقت هر محقق را بر آن میدارد که این اصطلاح (تجزیه طلبی) یک پدیده اختصاصی و صرفا شوینستی است. بدین معنی تجزیه کردستان در سالهای بین 1639 - 1514 میلادی بین ایران و ترکیه از یکسو، و در سالهای 1920 - 1925 میلادی تجزیه و تقسیم بخش دیگری از آن وسیله استعمارگران انگلیسی و فرانسوی بین سوریه و عراق از سوی دیگر.... ویژه و در این راه: عدم تمکین مردم کرد به این احکام استعمار گران - و حاکمیت استبدادی و سرکوبگرانه شوینیزم را (خود و بوسرمین اجدادش) بعنوان دو عامل مهم (تاریخی و حقیقی) سبب ظهور و پیدایش چنین پهنه‌ای اختصاصی (تجزیه طلبی) در فرهنگ و ادبیات شوینستی گردیده است.

بدینسان شوینستها با ابداع و عنوان چنین " افتراءات و لاطائیات " میخواهند باز هم در ربوای واقعیات تاریخ مغلطه کنند. زیرا: هدف از مبارزه و مقاومت: عادلانه، پیگیر و خونین خلق مظلوم و مبارز کود کاملاً واضح و روشن است و آن همانا رهائی از این: ((تجزیه جبری - و اتحاد اجباری)) است.

زیرا ملت کرد: نه از روی کتاب، نه از روی روزنامه ها و یا نوشتجات و نشریات " این و آن " چنانی بلکه از خود زندگی آموخته است که: منافع ((ملی، فرهنگی و اقتصادی)) اش، با شوینستها آشتی ناپذیر است.

هر اندازه: دشواری چنین تبدیل و تحولی در فلان یا بهمان لحظه دشوار بنظر آید، باز در شرائطی که حکم تاریخ و تجربه است.... در شرائطی که دیگر جنبه‌های آزادیبخش (ملی و انقلابی) چنین راهی را رفته اند و آزاد شده اند. لذا: هرگز نباید از کار تدارکات: منظم، مصرانه و مداوم و پیگیر آن چه در سطح داخلی و بیرونی، در سطح بین المللی آن، به بهانه و دستاویزهای " این و آن " چنانی امتناع ورزید.

اجتناب ناپذیری بودن این تغییر و تحول: ریشه های عمیق و غیر قابل انکار تاریخی آن در: ((زندگی، تصمیم و اراده استوار، آزادانه و خلل ناپذیر)) توده ها است و.... در آرمان شهداء راه: (آزادی و استقلال) که: در پیشا پیش آن زنده یاد پیشوا و یارانش، معینی ها و ملا آواره ها میباشند و.... بالاخره، در خصلت جنبش رهائیبخش خلق کرد است. که: بعلت دسیسه استعمار و ظلم و ستم شوینیزم در ادوار تاریخ: ((تجزیه و تقسیم اجباری)) میهنش و زندگی جبری با آنها که: ره آوردی جز فقر اقتصادی - و عقب ماندگی اجتماعی در بر نداشته است. که: با هیچیک از انواع ابزار فریب و نیرنگ " مصالحه و سازش " خودی و دشمنانش از جمله: (اسناد تاریخی سخن می گویند)؟!، و استعمال واژه های افسانه ای، دروغین و سا -

ختگی و.... کاملاً مبتذل ، مسخره و متداول در فرهنگ و ادبیات منحنی شوینیزم ، مانند : (**براد ریتم!** **هم وطنیم!** ، **از نژاد آریائی هستیم!** **الخ**)!!! ، نه تنها : التیام ، جبران و فراموش نخواهد شد.

بلکه برعکس : ملت کرد با ((**سرزمینی اجدادی**)) خویش دقیقاً بر مبناء ((**تجزیه و تقسیم**)) آن ، انگیزه اصلی کاربرد چنین القاب و عناوینی مزورانه و مغلطه آمیز.... و فریب کارانه راز جانب شوینیزم سفسطه - گر- و هواداران سازش و مصالحه با کالای بنجل خود ساخته : (**خودگردانی ... خود مختاری و ... فدرا- لیزم**) را با زهم بمنزله گام دیگری در تحقیر و کتمان هویت مستقل ملی خویش و... تلاش بیهوده دیگری از تحریف تاریخ مستند خود میدانند.

لذا از شنیدن - و تمکین بآن بیزار و متنفر است. خلق کرد معتقد است که : هر گونه بی اعتنائی ، یا تحریف و انحراف از پذیرش در شناسائی این اصول اساسی و محرز و مسلم تاریخی ، در تجزیه و تحلیل از هدف جنبش رهائیبخش (**ملی و انقلابی**) اش را که : همانا قاطعانه و پیگیر راه پراز فراز و نشیب : (**آزادی و استقلال**) را میکوبد ، بمنزله نفی تاریخ ، نفی آزادی و دمکراسی و.... بالاخره بمنزله : نفی اصول و قوانین کامل مارکسیستی در باره : رفع ستم ملی و "حق تعیین سرنوشت بدست خویش" است.

لنین ، در باره حق تعیین سرنوشت خلقهای تحت ستم با استناد از سخنان مارتینف در رگنره دوم استدلال می کند و مینویسد : (**مارتینف** باین عقیده است که برای اصطلاح حق تعیین سرنوشت نمیتوان تفسیر وسیعی قائل شد معنای آن فقط حق ملت به جدا شدن و تشکیل یک واحد جداگانه است و بهیچوجه خودمختاری منطقه ای نیست).... آثار منتخب ص 369 .

خلق کرد و مبارزین : (**ملی و انقلابی**) اش ، با چنین شناخت و درکی از ماهیت نوحه گران عزادار شوینیزم و متحدین آن در سوک : ((**جدائی خلقها**)) و ندبه مبتذل ، کهنه استعماری و ارتجاعی : (**وامصیبت ها**) و با وجود همه فقرها ورنجهایش ، قاطعانه مصمم است که : علیه این نغمه های شوم و نفرت انگیز : جغد شوم و پیراستعمار و ارتجاع : کماکان تا پیروزی نهائی که همانا چیزی جز : ((**آزادی و استقلال**)) " جامعه و سرزمین " تجزیه شده آن نیست ، به مقاومت و نبرد عادلانه و پیگیر خود ادامه دهد.

بگذار : اپورتونیستها و فورمیستها خودی ، همصدا و متحد با شوینیستها ، افرادی ، سازمانی و حکومتی و همگام ... با سوسیال شوینیستها و وطنی این خواست را عملی ندانند ... **بگذار** آنرا خیالی و واهی بپندارند و آنرا بعنوان ارتد کس آرزوی بیمارگونه و افراطی نام ببرند **بگذار** : باز هم مبارزین و آزادی خواهان استقلال طلب کرد را متهم به تجزیه طلبی کنند.

لکن : این تنها راه (سیاسی و نظامی) است که : میتواند جنبش در انزوای خلق ستمدیده و مبارز کرد را از این بن بست : ((**جعل و تزویر**)) های خطرناک : ((**غیرمسئولانه**)) افرادی و سازمانی (**این وان**) نجات داده - و آنرا در رزمه و ردیف جنبش های آزادی بخش ((**ملی و انقلابی**)) سایر ملل آزاد جهان مطرح سازد.

با (تو) ام!

دخترم! پسرم!

جش رهائی من و تو

فرا میرسد فرا!

بانگ غرور و نشاط بر آوریم ، زسینه ها

ای رنجهها ، ای دردها ، ای فقرها

ای جغد شوم : جنگ و ویرانی
بدورازما ، بدورازکیش ومام ما
بانگ غرورونشاط برآوریم ، زسینه ها
ای کارگر! ، ای برزگر! ، ای خلقها!
ای آشنای رهگذر!
ما آزاده ایم و آماده!!

Chia.rabii@yahoo.com

بیست و چهارم اکتبر سال 2008

مالمو سوئید.